

کاربری عمارت چهلستون به روایت منابع

و اسناد تاریخی

دکتر کورش صالحی و سمانه عسگری

چکیده

با انتقال پایتخت در سال ۱۰۰۰ق. / ۱۵۹۱م. توسط شاه‌عباس اول به اصفهان، زمینه‌های رشد این شهر و همچنین سبب اصلی ساخت‌وسازهای کلان دولتی در اصفهان فراهم شد. در زمان شاه‌عباس دوم عمارت چهلستون دولتخانه جدید حکومت صفوی به حساب آمد، در زمان شاه‌سلطان حسین بعد از آتشی که در این عمارت افتاد و باعث تخریب کاخ گردید، با شکست افغانان و روی کار آمدن افشاریه و انتقال پایتخت از اصفهان به مشهد، تغییر و تحولات زیادی در این بنا انجام شد. کاخ چهلستون در مشروطیت، مکان تجمع مردم بود. در دوران پهلوی اول مدتی محل استقرار قشون شد؛ و سرانجام در عصر پهلوی دوم به موزه سپاهان تبدیل شد. هدف از این پژوهش بررسی چگونگی کاربری عمارت تاریخی چهلستون از اواخر دوره صفوی تا طرح دولت مدرن و ایجاد نهادهای وابسته به آن است. شیوه کار در این پژوهش براساس روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه مطالعات اسناد و منابع تاریخی است.

کلیدواژه‌ها

کاخ چهلستون؛ صفویه؛ شاه‌عباس دوم؛ قاجار؛ پهلوی دوم.

فصلنامه آرشیو ملی، سال اول، شماره سوم، پانز ۱۳۹۴، صص ۹۰-۱۰۸

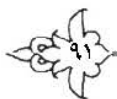
کاربری عمارت چهلستون به روایت منابع و اسناد تاریخی

دکتر کورش صالحی^۱ و سمانه عسگری^۲

مقدمه

در سال ۱۰۰۰ ق. ۱۵۹۱م، پایتخت دولت صفویه به دلایل متعدد سیاسی، نظامی، اقتصادی و نظایر آن از قزوین به اصفهان منتقل شد. موقعیت طبیعی و فاصله داشتن اصفهان از مرزهای قلمرو صفوی مهم‌ترین دلیل انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت از سوی شاه عباس اول (۹۸۹-۱۰۳۸ ق. ۱۵۸۱-۱۶۲۶ م) به حساب می‌آمد. وی برای داشتن پایتخت باشکوه و قابل رقابت با قدرت‌های هم‌عصرش فرمان به ساخت عمارت‌ها، کاخ‌ها، پل‌ها و نظایر آن در این شهر داد. در زمان وی عالی‌قاپو بنای باقی مانده از دوره تیموریان و ترکمانان، آباد و بازسازی شده و به عنوان دولتخانه صفویه معرفی شد. علاوه بر آن عمارت‌هایی چون تالار طویل و توحیدخانه مانند سی‌وسه پل برای زیبا ساختن پایتخت جدید و در تکمیل دولتخانه صفویه احداث شد. جانشینان شاه عباس نیز به ساخت و سازها ادامه دادند. شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق. ۱۶۴۲-۱۶۶۶ م) که بعد از شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق. ۱۶۲۸-۱۶۴۲ م)، بر تخت نشست ابنیه‌ای چون چهلستون، نمکدان، آینه‌خانه، هفت‌دست، پل خواجو و نظایر آن را در این دوره به وجود آورد. در زمان دیگر پادشاهان صفوی مانند شامسلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق. ۱۶۶۶-۱۶۹۴ م) و شامسلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق. ۱۶۹۴-۱۷۲۲ م)، نیز با وجود بی‌توجهی به امر مملکت‌داری، به ساخت و ساز علاقه نشان می‌داد. عمارت‌هایی مانند هشت‌بهشت در زمان شامسلیمان و فرح آباد

۱. استادیار گروه تاریخ
دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران
دوره اسلامی.



در عصر شاهسلطان حسین آخرین پادشاه رسمی صفویه، بر ابنیه دولتخانه قدیم اضافه شدند. چهلستون که به‌عنوان دولتخانه جدید در عصر شاهعباس دوم ساخته شد به‌عنوان زیباترین عمارت‌های ساخته‌شده در عصر صفویه معرفی شده است. همین عنوان علتی شد تا این کاخ، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. موضوعی که نباید از آن چشم‌پوشی کرد، اطلاعات تکراری است که منابع راجع به این عمارت‌ها داده‌اند و چهلستون نیز از این امر مبرا نیست. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که سرنوشت و کاربری عمارت چهلستون در فاصله زمان ساخت تا اواخر دوره پهلوی با توجه به اسناد و منابع تاریخی چگونه بوده است؟

ابهام در تاریخ ساخت عمارت چهلستون

همان‌طور که در مقدمه بیان شد، شاه‌عباس در سال ۱۰۰۰ ق. / ۱۵۹۱ م، پایتخت را به اصفهان منتقل کرد. شاه‌عباس به تزیین پایتخت خود پرداخت تا آن را به‌عنوان «شهر اول دنیا» به‌شمار آورد (هنرفر، ۲۵۳۶، ص ۹۹). شاه‌عباس با وجود پرداختن به جنگ با همسایگان و توجه به امر تجارت، هرگز از ساخت‌وساز بنا در اصفهان و دیگر شهرها چشم‌پوشی نکرد. وی به ساخت عمارت‌ها، کاخ‌ها، پل‌ها و مانند آن‌ها فرمان داد. از جمله این بناها به عمارت توحیدخانه، مساجد شاه و شیخ لطف‌الله و نظایر آن، می‌توان اشاره کرد. این سازه‌های بزرگ دولتی از نظر معماری برای دو نوع کاربرد ساخته شدند. عمارت‌هایی که جنبه پذیرایی داشتند، نوع اول را تشکیل می‌دادند و نوع دیگر این عمارت‌هایی که به قصرهای نشیمن مشهور شده‌اند و برای اسکان شاه و خاندان سلطنتی در نظر گرفته شده بودند. کاخ عالی‌قاپو و چهلستون به کاخ‌های پذیرایی معروف هستند و تالار اشرف و کاخ هشت‌بهشت در تقسیم‌بندی نوع دوم قرار می‌گیرند (جوادی، ۱۳۶۳، ص ۵۶۱).

منابع به تاریخ ساخت کاخ پذیرایی چهلستون با ابهام نگرسته‌اند. برخی گفته‌اند «اصل عمارت، صلیبی‌شکل و دارای دریاچه به هنگام ورود شاه اسماعیل [اول] صفوی به اصفهان بوده است. ایوان بنا روی هیجده ستون، اوایل صفویه ضمیمه‌شده با دو ستون دیگر، مجموع بیست ستون است و سقف بالای این ستون‌ها از خاتم‌کاری عالی است؛ یک طبقه بالای آن سقف است که مابین دو طبقه را چوب‌بست‌های عجیب وصل می‌کند با چوب‌های قطور، که بیش از یک متر قطر و ده متر طول دارند» (جناب، ۱۳۸۲، صص ۴۹-۵۰). بعضی دیگر مانند هنرفر معتقدند که باغ چهلستون که بالغ بر ۶۷۰۰۰ مترمربع است به‌انضمام عمارتی در وسط آن در عصر شاه‌عباس اول احداث شده است (هنرفر، ۲۵۳۶، ص ۱۲۶). اگرچه در تاریخ ساخت عمارت چهلستون نظرات متفاوتی ارایه شده ولی آنچه اکثر منابع به آن اعتقاد دارند، ساخت این عمارت در دوره جانشینان شاه‌عباس است.



ساخت عمارت

مرگ شاه‌صفی باعث انتقال قدرت در ۱۰۵۷ ق. به فرزندش شاه‌عباس دوم شد. شاه‌عباس دوم مانند شاه‌عباس اول به ساخت‌وساز اهمیت می‌داد. وی به ساخت پل‌ها، کاخ‌ها، عمارت‌ها و غیره پرداخت. از جمله مهم‌ترین این بناها احداث مجموعهٔ سعادت‌آباد است که عمارت‌های آینه‌خانه، نمکدان و هفت‌دست را شامل می‌شد. کاخ چهلستون و پل‌خواجه را می‌توان از ابنیه این دوره به حساب آورد. کاخ چهلستون در باغی به همین نام بنا شده است. هنرپر در گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان تاریخ بنای این عمارت را به شاه‌عباس دوم، نسبت می‌دهد و چنین می‌گوید که «تا سال ۱۳۲۷ خورشیدی چون تاریخ بنا به‌دست نیامده بود اظهارنظر دربارهٔ تاریخ بنای چهلستون را مشکل می‌کرد لکن در سال مزبور در نتیجهٔ کاوش‌هایی که به‌عمل آمد در جبههٔ تالار کاخ، اشعاری در دو کتیبه از زیر گچ به‌دست آمد که یکی کوتاه‌تر و بر زمینهٔ صورتی‌رنگ، بنای تالار چهلستون را به شاه‌عباس دوم نسبت می‌دهد» (هنرپر، ۱۳۵۰، ص ۵۵۷).

دیگر منابع نیز تاریخ ساخت بنا را ۱۰۵۷ ق. ذکر کرده‌اند (همایی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹)، که این تاریخ، مصادف با پادشاهی شاه‌عباس دوم است. چهلستون از معروف‌ترین کاخ‌های ایران به حساب می‌آید و دلیل آن نیز شاید حفظ بنای اصلی باغ است. (آزند، ۱۳۸۰، ص ۴۴۲). جناب طرز ساخت این عمارت را مانند دیگر بناهای قدیم ایران دانسته و در وصفی از این بنا «از یک مقطع چهارضلعی در وسط یک باغ، که این مقطع با دو خط متوازی به سه مستطیل تقسیم شده و مستطیل مؤخر، مسقف گشته و اتاق بزرگی تشکیل داده به اسم «طنابی» سه طرف آن سه ایوان و درگاه است که با قسمت وسطی از مستطیل وسط، چلیپایی احداث شده، یاد کرده است (جناب، ۱۳۸۲، ص ۵۰). چهلستون تلفیقی از معماری‌های قدیم و باستانی ایران است. نوعی از معماری که ستون و تالار در آن مانند معماری تخت‌جمشید، جلوهٔ خاصی دارد و در تداوم تاریخی این سبک، خانه‌ها و مساجدی است که از آن میراث برده‌اند، که از قدیم‌الایام نیز وجود داشته‌اند. عمارت چهلستون با باغچه‌های اطرافش نزدیک به پنجاه جریب است «عمارت وسط چون دیگر مبانی قدیمه تیموری روی به مشرق افتاد. طنابی بزرگ عقب تالار ایوان است که شاه‌نشین سلطنتی بوده و دارای سه گنبد طول، تقریباً با زیر دیوارها بیست و هشت ذرع و عرض بیش از یازده ذرع و نیم و درب‌هایش از اطراف رو به ایوان‌های گردگرد باز می‌شود؛ و دو اتاق بزرگ خروجی جنبین ایوان شاه‌نشین است و صندوق‌خانه‌ها و بالاخانه عقب هم دارد و خود تالار چهلستون جلوی شاه‌نشین و اطاق‌هاست» (انصاری، ۱۳۲۱، ص ۳۴۳).

این عمارت از اتاق‌های متعدد و تالار با شکوهی که روبه‌روی حوض بزرگی قرار گرفته، تشکیل شده است. دولتخانه قدیم صفویه که عالی‌قاپو نام داشت، درب‌ها و مدخل‌هایی از



اطراف متصل می‌شد. مدخل چهارم که در سمت غرب وجود داشت، چهلستون را به دولتخانه قدیم صفویه متصل می‌کرد (جناب، ۱۳۷۱، ص ۳۰۹). در باغ چهلستون مخزن‌ها و عمارت‌های دیگری مشاهده می‌شد: از جمله مهم‌ترین این عمارت‌ها محلی بود که شاردن از آن به‌عنوان «سرایه» یاد کرده است و ایرانیان آن را حرم می‌گویند. کارخانه‌ها و مخزن‌هایی که در چهلستون وجود داشت به مخزن چاپوق، چراغ یا پیه‌سوز، شراب‌خانه و نظایر آن مشهور بودند (شاردن، ۱۳۶۷، ص ۱۸۲).

شاه‌عباس دوم به دولتخانه جدید خود تالار آینه، تالار هجده ستون، دو اتاق بزرگ شمالی و جنوبی تالار آینه، ایوان‌های طرفین سرسرای پادشاهی و حوض بزرگی مقابل تالار با کلیه تزیینات نقاشی، آینه‌کاری، کاشی‌کاری دیوارها و سقف‌ها را اضافه کرد (زنده‌دل، ۱۳۳۱، ص ۶۸). شاه با تزییناتی مانند آینه‌کاری، گچ‌کاری، مقرنس و نظایر آن سعی بر با شکوه کردن این عمارت داشته است. وی همچنین با احداث حوضی که از دهان مجسمه‌هایی که به شکل شیر بودند، آب می‌ریخت، سعی در مجلل کردن این عمارت داشته است (کنبی، ۱۳۶۸، ص ۳۵). در تالار این عمارت نیز از نماهایی به شکل نقاشی جنگ‌ها و تصاویر پادشاهان قدیم استفاده کرده بود. «صورت شاه اسمعیل و هر دو شاه‌عباس (اول و دوم) موافق صورت شاه اسمعیل در میدان جنگ با اوزبکان است و از دیگران، مجلس بزم است و در نماهای میدان صورت جنگ شاه اسمعیل با رومی» در بین این تزیینات دیده شده است (اصفه‌ای، ۱۳۶۸، ص ۳۵). پوپ نیز معتقد است «داخل این کاخ پوشیده از تزیینات نقاشی است هم از طرح‌های تجریدی و هم تصاویر انسان و حیوان و سقف طاق‌ها، رنگی تند ولی یکنواخت دارد» (پوپ، ۱۳۷۳، ص ۲۵۳). علت وجه تسمیه باغ چهلستون که در کنار باغ‌های بلبل، توت، درویشان و نظایر آن قرار داشت نامشخص است. عده‌ای علت این نام‌گذاری را تعداد ستون‌های آن و تصویری که از آنها در حوض مقابل نمایان شده است، می‌دانند و برخی دیگر معتقدند «وجه تسمیه چهلستون به‌علت تعدد ستون‌های این کاخ است که در ایران تعدد را بیشتر با عدد چهل، بیان می‌کرده‌اند اما تصادفاً چون تعداد ستون‌های تالار چهلستون بیست عدد است و انعکاس عمارت و ستون‌ها هم در استخر مقابل آن به‌خوبی مشهود است، جمعی از راه تفسیر گفته‌اند که این کاخ با انعکاس آن در آب مفهوم «چهلستون» یافته است (هنرفر، ۱۳۵۰، ص ۵۵۹). همان‌طور که بیان شد شاه‌عباس دوم چهلستون را در مقابل عالی‌قاپو و به‌عنوان دولتخانه جدید احداث کرد. چهلستون کاخی بود که شاه، سفرا را در آن می‌پذیرفت و در آن به سلام می‌نشست و میهمانی و جشن‌ها را در آن بر پا می‌کرد (سیوری، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴). در کنار این کاخ وی عمارت‌هایی مانند آینه‌خانه، نمکدان و هفت‌دست را بنا کرد. آینه‌خانه که تصاویری از آن در سفرنامه‌ها مشاهده می‌شود به سبک این عمارت بنا شده بود.

چهلستون در زمان دو پادشاه آخر صفویه

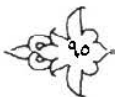
شاه صفی دوم، دوبار به تخت نشست. بار اول به دلیل مریضی شاه، به این نتیجه رسیدند که شاه روز نحسی به تخت نشسته است، لذا به منجمان دستور دادند روز سعدی را انتخاب و شاه را مجدداً به پادشاهی بردارند، شاه صفی دوم با نام شاه سلیمان در ۱۰۷۷ ق. این بار در چهلستون برای بار دوم تاج گذاری کرد (کمپفر، ۵۳ ص ۱۳۶۰).

شاه سلیمان برای اینکه خود را به مردم نشان دهد از چهلستون عازم باغ هزار جریب شد و صاحب منصبان دولتی و اعیان نیز همراه وی بودند (کمپفر، ۱۳۶۰ ص ۵۱). عمارت چهلستون در این ایام به عنوان تختگاه شاه سلیمان مورد استفاده قرار گرفت. شاه سلیمان به جز استفاده از این عمارت، فرمان داد بارگاه جدیدی برایش احداث کنند. لذا عمارت هشت بهشت در کنار چهلستون و در باغ بلبل ساخته شد. مانند شاه عباس دوم که در تالار طویل به تخت نشست و پس از چندی دولتخانه جدیدی احداث کرد، شاه سلیمان فرزند وی نیز علی رغم شکوه عمارت چهلستون، فرمان داد عمارتی به همان سبک برایش آماده کنند. این کاخ نیز که الگو گرفته از چهلستون است، دارای تالاری با ایوان های متعدد و حوضی در مقابل است. از عمارت چهلستون، به جز بر تخت نشستن وی مطلبی در منابع ذکر نشده است.

شاه سلطان حسین در ۱۴ ذی الحجه ۱۱۰۵ ق. (۶ اوت ۱۶۹۴)، به تخت سلطنت ایران جلوس کرد (رویمر، ۱۳۸۰ ص ۴۰۶). برخلاف دوران پر شکوه شاه عباس اول و کفایت او در امر مملکت داری، جانشین با واسطه وی، شاه سلطان حسین از این امر کاملاً مبرا بود. مناصب اداری به تدریج یا از بین رفتند و یا این که به دلیل دخالت زنان دربار و خواجهگان در هر پست و منصبی از قدرت ابتدایی که داشتند، فاصله گرفتند. شیخ الاسلام نیز که به امور مذهبی رسیدگی می کرد تا این دوره به کار خود ادامه می داد تا اینکه منصب ملاباشی بر تمام روحانیون تسلط یافت و منصب شیخ الاسلامی نیز از بین رفت (لاکهارت، ۱۳۸۰ ص ۱۱). پیرو همین دخالت درباریان و ملاهای درباری، خرافه به شدت در شاه سلطان حسین صفوی نفوذ کرد. معروف است در زمان وی آتشی در عمارت چهلستون افتاد. «این واقعه شب بیست و یکم رمضان به سبب مشعلی که به پرده های اطراف عمارت خورده بود، حادث شد و خدام شاه سلطان حسین خواستند آن را خاموش کنند [اما شاه] منع کرد و گفت: بگذارید! این بالای است که بایست رفع شود» (جناب، ۵۲ ص ۱۳۸۲). این آتش که در ۱۱۱۸ رخ داده در بیتی چنین آمده است:

هزار و یک صد و هجده ز هجرت نبوی گذشته بود که آتش به چهلستون افتاد

گفته اند بعد از این ممانعت از سوختن چهلستون، شاه فرمان داد مجدداً آن را بسازند و تعمیر کنند. آتش سوزی سبب شد بنای زمان شاه عباس دوم صدمه ببیند ولی آنچه مورد مرمت قرار گرفت آبادانی را به این عمارت برگرداند.



سرنوشت چهلستون در زمان هجوم افغانان

شکست صفویان از افغانان در جنگ گلون آباد در سال ۱۱۳۵ ق. / ۱۷۲۲ م. و محاصره اصفهان سبب تسلیم شدن شامسلطان حسین شد. شاهسلطان حسین که چاره‌ای جز تسلیم شدن نداشت صبح روز جمعه دوازدهم ماه محرم ۱۱۳۵ ق. به مقر افغانان در فرح آباد رفته و تاج سلطنت را به محمود افغان واگذار کرد (هدایت، ۱۳۸۰، صص ۵۴-۵۳). محمود افغان که موقعیت را این‌گونه یافت، عده‌ای از فرماندهانش را برای غارت عمارت صفویه فرستاد. روز دیگر محمود با شامسلطان حسین به چهلستون رفته و در آنجا به تخت نشست و فرمان داد شاه را زندانی کنند (اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۶). محمود دستور داد، رقبات دفتری صفویه که در چهلستون نگهداری می‌شدند را به زایندهرود ریختند (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۲۶)، و گفته شده تخت سلطنتی که در این عمارت وجود داشته در اثر این حمله ویران گردیده است (دیولافوا، ۱۳۷۸، ص ۲۸۷). محمود بعد از این ماجرا شروع به قزلباش‌کشی کرد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۷۳۸)؛ منابع نقل کرده‌اند که محمود بعد از زندانی کردن شامسلطان حسین در آینه‌خانه، در تالار طویله بر تخت نشست و قزلباشان را وعده خلعت داد. قزلباشان که فریب وی را خوردند به آنجا وارد می‌شدند و از درب دیگر جنازه آن‌ها خارج می‌شد. بعد از این قتل و غارت‌ها خود به عمارت چهلستون رفته و در آنجا به جشن و سرور پرداخت (مستوفی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۳). در این بین بسیاری از نقاشی‌های دوره صفویه از بین رفتند (نیکزاد، ۱۳۳۳، ص ۴۹). ترسیدن کمک از سوی ایالت‌ها و همچنین شاه‌طهماسب دوم سبب شد بسیاری از قزلباشان به قتل برسند و خزانه‌هایی که در چهلستون و دیگر عمارت‌ها بود، به غارت رفت.

قتل و غارت‌هایی که محمود در اصفهان به راه انداخته بود باعث نارضایتی مردم شد و سرانجام غائله محمود توسط اشرف افغان به پایان رسید. اشرف پس از به تخت نشستن دستور داد بارویی در داخل باروی قبلی شهر ساختند. ترس از حمله نیروهای شاه‌طهماسب دوم دلیلی بر این امر بود (هنوی، ۲۶۶، ص ۱۳۶۷)؛ تقریباً در این زمان اوضاع شهر اصفهان تا حدودی آرام شده بود و حتی کشورهای خارجی که به دلیل حمله افغانان از اصفهان رفته بودند، بازگشتند (فلور، ۱۳۶۷، ص ۲۸). ساخت‌وسازهایی نیز توسط وی در شهر اصفهان صورت گرفت. از جمله عمارت اشرف را به وی نسبت داده‌اند که دارای دو اتاق و یک تالار است که با نقاشی‌ها و گچ‌بری‌های خاصی مزین شده و بالاخانه‌ای دارد که به‌وسیله طلاکاری و مقرنس تزئین گشته است (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹).

اشرف به جز دولتخانه مرکزی صفویه که از آن استفاده می‌کرد، دستور داد چهلستون را تخریب کنند و با مصالح آن در کنار پل شهرستان برای خود چهلستون جدیدی ایجاد کرد (أصف، ۱۳۵۲، ص ۱۶۹). فتنه افغان باعث از میان رفتن بسیاری از جمعیت ساکن اصفهان و



همچنین در ساختار سیاسی، صاحب‌منصبان صفوی و به‌دنبال آن بسیاری از ابنیه تاریخی شد. نارضایتی مردم از قتل و غارت‌های افغانان و قدرت‌گیری شاه‌طهماسب دوم با کمک‌های نادر از طایفه افشار سبب درگیری و جنگ‌هایی شد. کانون جنگ با افغانان از شمال کشور گرم شده بود، افغانان از نواحی اطراف تهران فرار کرده و برای جبران شکست‌های خود، مردم اصفهان را به قتل می‌رساندند و به غارت اموال آنان می‌پرداختند. نادر آن‌ها را دنبال کرد و در ۲۰ ربیع‌الثانی (۱۲ نوامبر ۱۷۲۹) در منطقه مورچه خورت، سپاه اشرف افغان را درهم کوبید. برای مدت کوتاهی تاج سلطنت بر سر شاه‌طهماسب دوم قرار گرفت (مینورسکی، ۱۳۳۶، صص ۲-۲۱).

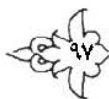
شاه‌طهماسب دوم چون به شهر اصفهان پایتخت صفویه وارد شد آن را خالی از سکنه و ویران دید؛ تصمیم به ساخت‌وساز و برگرداندن مناصب و آبادانی به این شهر گرفت. دارالسلطنه اصفهان که به‌دلیل هفت سال قتل و غارت مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود، در این زمان روزهای آرام خود را پشت سر گذاشت و رو به آبادی رفت (أصف، ۱۳۵۲، ص ۱۹۴). از جمله عمارت چهلستون که در اثر بی‌توجهی اشرف افغان به خرابی دچار شده بود را مجدداً در محل قبلی و در محدوده دولتخانه صفویه احداث کرد (اصفهان، ۱۳۶۸، ص ۲۴۵). عمارت چهلستون از هنگام کامل شدن در زمان شاه‌عباس دوم دوبار به‌صورت جدی تخریب شد. بار اول در زمان شاه‌سلطان حسین و دومین بار در زمان اشرف افغان این اتفاق رخ داد که هر بار توسط شاهان صفوی مرمت و یا مجدداً احداث شد. از چهلستون در زمان نادرشاه افشار به‌دلیل انتقال پایتخت به مشهد و شرکت در جنگ‌های متعدد، منابع اطلاعاتی زیادی در دست نیست.

قتل نادر در سال ۱۱۶۰ ق. توسط برادرزاده‌اش علی‌قلی خان، درگیری جانشینان را بر سر پادشاهی به‌دنبال داشت آزاد خان افغان، محمدحسن خان قاجار، کریم‌خان زند و ... هر کدام داعیه پادشاهی در سر داشتند. در این بین، شهر اصفهان عرصه‌ای برای شورشیان شد و مدتی آزادخان افغان در تالار چهلستون بر تخت نشست (اصفهان، ۱۳۶۸، ص ۲۴۵).

با قدرت‌گیری محمدحسن خان قاجار نسبت به کریم‌خان و آزادخان، وی چهلستون را به‌عنوان تختگاه برگزید و در «شاهنشین تالار چهلستون شاه‌عباسی بر مسند مزین فرمانفرمایی و دارایی بر نشست و به‌ترتیب و نظام وزرا و امرا و باشیان و عملجات در برابرش ایستادند و حاضر ساختگان بعضی نشستند و بعضی ایستادند» (أصف، ۱۳۵۲، ص ۲۸۶).

چهلستون در دوران قاجار

هرج و مرج دوران فترت، اقتدار حکومت مرکزی که از قتل نادر شروع و تا به قدرت رسیدن کریم‌خان زند به‌طول انجامید و همچنین تأکید سلسله زند بر پایتختی شهر شیراز، علتی بر فقر اطلاعات راجعه به شهر اصفهان در منابع شده است. با خیانت حاکم بم به لطفعلی خان زند



در ربیع‌الآخر ۱۲۰۹ ق، به دست آقامحمدخان قاجار، سلسله زند سقوط کرد (امینی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴).

در اواخر سلطنت زند و ابتدای برآمدن قاجار، اطلاعاتی از واگذاری چهلستون و دیگر عمارت‌های تاریخی اصفهان به فرماندهان و افراد صاحب‌نفوذ دیده می‌شود (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۹). انتقال قدرت، انتقال پایتخت را نیز به دنبال داشت. در سال ۱۲۱۰ ق. که آقامحمدخان در تهران بر تخت نشست، اولیویه اوضاع عمارت چهلستون را این‌گونه توصیف می‌کند: «که چنین چیزی در فرنگستان نیست که نظیر و مماثل آن را توان داشت. از حیث صورت و وسعت بنا و بسیاری عدد و حسن منظر، کاخ‌ها و گوشک‌ها در این باغ عظیم پراکنده هستند. هم‌چنان از حسن صنعت که در داخل بعضی از تالارها به کار برده‌اند، هیچ مانندی ندارد. این باغ‌ها منتهی می‌شوند به خیابان چهار باغ که به قدر میلی بیشتر بعد دارد» (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۱۱۶). پس مشاهده می‌شود که علی‌رغم فرمان آقامحمدخان قاجار نسبت به تخریب استحکامات در اصفهان این ابنیه سالم مانده‌اند (کرزن، ۱۳۷۳، ص ۳۰).

قتل آقامحمدخان در ۲۱ ذی‌الحجه به دست شورشیان، موقع را برای جانشینی باباخان، برادرزاده وی که بعدها به فتحعلی‌شاه معروف شد، مهیا کرد. بنا به سیاست وی مبنی بر تقسیم کشور به ایالت‌های مختلف، ایران به ایالت‌هایی تقسیم شد. به این صورت که ایالت‌هایی که از نظر سوق‌الجیشی و اقتصادی مهم بودند در دست شاهزادگان درجه اول قاجار و بقیه ایالت‌ها به شاهزادگان درجه دوم که از زنانی غیر عقدی بودند، واگذار شد.

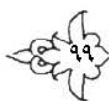
در این دوران، حاجی محمدحسین خان ملقب به مستوفی الممالک، نظام‌الدوله، امین‌الدوله و معروف به صدراصفهانی، صدراعظم فتحعلی‌شاه حاکمیت اصفهان را عهده‌دار شد (شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۶). صدر به تعمیر ابنیه دولتخانه صفویه پرداخت. وی علاوه بر آن به ساخت‌وساز جدیدی در این شهر روی آورد. بنایی که امروزه در باغ چهلستون و در مجاورت تالار اشرف است را به وی نسبت داده‌اند (دالماتی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۹). این بنا مابین کاخ چهلستون و عمارت بهشت آیین قرار گرفته و به عمارت «سرپوشیده» مشهور شده است (همایی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۱). در زمان حکومت سلطان محمدمیرزا معروف به سیف‌الدوله که بعد از امین‌الدوله فرزند صدر به حکومت اصفهان رسید، از خرابی‌های وارد شده بر این ابنیه یاد شده است.

سیف‌الدوله در سفرنامه مکه به وصف ابنیه پرداخته و در مورد چهلستون می‌گوید: «باغی است و در وسط باغ، تالار بسیار بزرگی است از چوب که بر روی بیست ستون پوشیده‌اند. پشت این تالار بیوتات است. از جمله طنابی است که چهل ذرع طول اوست. بر سه طاق پوشیده‌اند. همه این عمارت آئینه و نقاشی است. بسیار عمارت محکم مجلی است. خرابی زیاد دارد» که وی به تعمیر آن پرداخته است (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴، ص ۳۶۴). محمدشاه قاجار در حکومت

شهر اصفهان را به معتمدالدوله منوچهرخان گرجی سپرد. شاه به وی فرمان ساخت‌وساز در اصفهان را داد. منوچهرخان به ساخت عمارت‌ها و تعمیر ابنیه تاریخی پرداخت. معتمدالدوله منوچهرخان گرجی از عمارت چهلستون به‌عنوان زندان و محلی برای پنهان کردن افرادی مانند سیدعلی محمد باب استفاده کرده است (هدایت، ۱۳۸۰، ص ۸۳۴۴).

مرگ معتمدالدوله منوچهرخان گرجی و محمدشاه قاجار سرنوشت اصفهان و ماجرای علی محمد باب نگره‌داری شده در اصفهان را به دوران ناصرالدین شاه کشانید. ناصرالدین شاه مانند پادشاهان قبل برای حکومت اصفهان حاکمائی مانند خانلر میرزا گسیل کرد. بروگش آلمانی که در این زمان به اصفهان سفر کرده، در سفرنامه خود این چنین می‌آورد «... در بدو ورود به اصفهان یکه خوردم چه قبل از ورود به آنجا انتظار داشتیم شهر آباد، پر جمعیت و زیبایی را که آن را نصف جهان می‌نامیدند و معمورترین شهرهای مشرق زمین می‌دانستند در مقابل خود ببینیم ولی آنچه را که می‌دیدیم متأسفانه عکس این تصورات و انتظارات بود، در مقابل ما زمینی خشک و خالی از سکنه، خانه‌های خراب و فرو ریخته، قصور و مساجد خراب که روزگاری شاهکاری از هنر به‌شمار می‌رفتند، قرار داشت» (بروگش، ۱۳۶۸، ص ۳۶۴). وی و گروه همراهش در حین دیدار عمارت‌ها صفویه که اکنون به‌عنوان محل پذیرایی و پذیرش سفرا و نظایر آن به حساب می‌آمدند نکاتی را به یاد می‌آوردند.

اشاره به اینکه در چهلستون هر آنچه که دیده می‌شود، متعلق به دوران صفویه و سال‌های قبل است و در این زمان به دلیل بی‌توجهی و همچنین دخالت طبیعت روبه‌ویرائی رفته است (بروگش، ۱۳۶۸، ص ۳۷۵). خواندن شرح‌ها و توصیف‌های دیگرش چنین دیدی می‌دهد که توجهات اندک خانلر میرزا به‌خصوص به چهلستون، هشت‌بهشت و عمارت‌هایی که در محدوده شهر اصفهان در زمان صفویه بوده را شامل می‌شده است. بعد از حکومت وی شورش‌هایی در اصفهان رخ داد که ناصرالدین‌شاه را مجبور به گسیل کردن افراد متفاوتی به حکومت آنجا کرد. میرزا عبدالحسین سپهدار که به حکومت اصفهان فرستاده شد به گرفتن مالیات‌های متفاوت پرداخت. درگیری‌های بین وی و میرزا عبدالوهاب گلستانه بر سر حکومت اصفهان باعث نارضایتی مردم شد (نسخه خطی وقایع‌التفاهیم، بی تا، ۲، صص ۱-۲). ناصرالدین‌شاه، میرزا تقی‌خان امیرنظام و چراغعلی‌خان زنگنه را برای خواباندن شورش فرستاد. بعد از خواباندن شورش، حکومت اصفهان به چراغعلی‌خان زنگنه سپرده شد. وی با کمک امام‌جمعه اصفهان مردم را در چهلستون جمع کرد و آن‌ها را متوجه تغییرات صورت‌گرفته کرد (سپهر، ۱۳۷۷، صص ۱۰۰۲). در این زمان در عمارت چهلستون تصاویری از کریم‌خان زند و ناصرالدین‌شاه در کنار تصاویر و تزیینات قبلی به چشم می‌خورد که نشان از توجه به ابنیه دولتی، به خصوص چهلستون در این روزگار داشته است (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۲۹۶).



مسعود میرزا ظل السلطان در سال ۱۲۵۱ ق. به حکومت اصفهان رسید. مسعود میرزا در امر حکومت اصفهان دو رویه را پیش رو گرفت. در ابتدای حاکمیتش از قابلیت وی در امر اداره اصفهان، یاد شده است (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۵). ولی از سرانجام کارش در اصفهان منابع به نیکی یاد نمی کنند (بشیری، ۱۳۶۷، صص ۲۰-۱۹). ظل السلطان به ساخت و ساز و تعمیر عمارت‌های باقی مانده از صفویه پرداخت. کرزن که در این عصر به ایران سفر کرده شاهد بر تخت نشستن ظل السلطان در این عمارت و رسیدگی به امورات اصفهان بود (کرزن، ۱۳۷۳، ص ۵۴۸). براون نیز که در همین روزگار اصفهان را مشاهده کرده از دیدار رکن الدوله کفیل حکومت اصفهان در این عمارت سخن گفته است (براون، ۱۳۷۳، ص ۳۰۱). به عنوان مثال نظر کرزن چنین است «در عقب ایوان چهلستون تالاری قرار دارد که در ایام ظل السلطان سالم بوده و وی و وزیرایش در آنجا به مشکلات مردم رسیدگی می کردند» (کرزن، ۱۳۷۳، ص ۴۳). همان طور که مشاهده می شود ظل السلطان مانند پدرش ناصرالدین شاه در اصفهان برای خود دربار و درگاهی به راه انداخته بود. در تصویر صفحه ۵۰۴ تاریخ مسعودی، ظل السلطان و میهمانانش در عمارت چهلستون در سال ۱۳۱۱ ق. مشاهده می شوند. در همین کتاب هنگامی که مسعود میرزا و خانواده اش در حین خوش گذرانی در عمارت چهلستون بودند خبر مرگ ناصرالدین شاه به گوششان می رسد (مسعود میرزا، ۱۳۶۲، ص ۳۲۷). این امر اهمیت چهلستون در نظر ظل السلطان را نشان می دهد.

در سال ۱۳۰۵ ق. چهلستون به عنوان موزه مورد استفاده قرار گرفت تا کاشی‌ها و اشیاء باقی مانده از صفویه در آن نگهداری شود (فرهنگ، ۱۳۵۵، شماره ۵۸۸). بعد از مرگ مشاوران لایقی مانند مشیرانصاری و رحیم خان بیگلربیگی، پاره‌ای از نوکرها به دور ظل السلطان حلقه زدند. وجود چنین مشاوران نالایق و عدم موفقیت وی در رسیدن به پادشاهی سلسله قاجار، سبب تغییر رویه و رفتار ظل السلطان شد. بی توجهی و تخریب بناها آغاز شد. این بی توجهی‌ها به حدی بود که ابنیه تاریخی مانند چهلستون به کارگرانی تعلق گرفت که برای ظل السلطان چادرهای مسافرتی می دوختند (دیولافوا، ۱۳۷۸، ص ۲۸۷). حتی مسعود میرزا تصمیم به تخریب این عمارت گرفت که توسط مرحوم حاج محمدابراهیم ملک‌التجار منصرف شد (اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۳۴). سالم ماندن این عمارت از دست تخریب‌های وی مورد تعجب دالمانی قرار گرفته است (دالمانی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۰). تزیینات گرانبهای چهلستون به گفته براون، همه با رنگ‌های زشت پوشیده شده بودند و نجاران و هیزمشکنان به تخریب تزیینات و بریدن درختان که‌هنسال مشغول بودند (براون، ۱۳۷۳، ص ۳۰۰).

این بی توجهی‌ها به عمارت‌ها سبب از بین رفتن آیینهای یکپارچه و درهای خاتم و منقش و پنجره‌های شگفت‌انگیز شد (هنر فر، ۱۳۵۰، ص ۵۶۵). همان طور که از گفته منابع استنباط



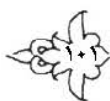
می‌شود، بسیاری از تزیینات و نقاشی‌ها در این عصر با گچ پوشیده شد و بسیاری از ابنیه مانند آینه‌خانه و نمکدان، به کلی ویران شد. تنها اندکی از مجسمه‌هایی، به‌شکل شیر و سایر مجسمه‌های باقی‌مانده از این کاخ‌ها امروزه در کاخ چهلستون نگهداری می‌شوند (زنده‌دل، ۱۳۳۱، ص ۶۹).

همزمان با مشروطیت‌خواهی مردم ایران، شهر اصفهان نیز مانند شهرهای بزرگی چون تهران و تبریز شاهد تجمع مردمی بود. مسعود میرزا ظل‌السلطان پیرو کینه‌ای که از مظفرالدین‌شاه بر دل داشت با مشروطیت همراه شد و مجلس ملی را در چهلستون افتتاح کرد ولی این امر نیز سبب رضایت مردم از او نشد (کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۳۴). بعد از مدتی ظل‌السلطان مجبور به ترک اصفهان شد و تجمع مردم ادامه داشت. شایعه بازگشت ظل‌السلطان به اصفهان سبب تجمع مردم و اعلام ناراضی در اطراف چهلستون و تلگرافخانه شد (رجایی، ۱۳۸۵، ص ۶۴). سرانجام با امضا مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش. / ۵ اوت ۱۹۰۶ م، این غایله تا حدودی رفع شد. با تاج‌گذاری محمدعلی‌شاه در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۷ م. / ۲۹ دی ۱۲۸۵ ش، سرانجام به توپ بستن مجلس در سال ۱۲۸۷ ش. تجمع از سر گرفته شد (امینی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸). بعد از تسلیم وی و پذیرش مشروطیت انجمن بلذیه در چهلستون شکل گرفت (رجایی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲). به این صورت، عمارت چهلستون به دلیل فضای گسترده‌ای که داشت کانون اصلی تغییرات دوران مشروطه و تجمع مردمی بود که تخریب‌های فراوانی را به این عمارت وارد می‌کرد.

جشن تاج‌گذاری احمدشاه که بعد از برکناری محمدعلی‌شاه بر تخت سلطنت ایران نشسته بود، در سراسر ایران بر پا شد. از جمله در اصفهان این جشن در عمارت چهلستون که چراغانی و آذین‌بندی گردیده بود، بر پا شد (رجایی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸). دوران سلطنت وی مصادف با جنگ جهانی اول بود. این جنگ که در سال ۱۹۱۴ م. شکل گرفت و دامنه آن به ایران نیز کشیده شد، اصفهان را به عرصه رقابت نیروهای متفق و متحد تبدیل کرد. نیروهای روس و انگلیس در میدان نقش‌جهان سان می‌دیدند و فرزند ظل‌السلطان از فرماندهان آن‌ها مانند کاماندان بیلومستونوف روسی و ژنرال سایکس، در عمارت چهلستون پذیرایی قرار می‌کرد (سایکس، ۱۳۶۸، ص ۶۵). در این جدال نمایی هرگونه تخریب و بی‌توجهی به ابنیه تاریخی به‌خصوص چهلستون وارد آمده است.

چهلستون در دوره پهلوی اول

با انتقال قدرت از قاجار به پهلوی، رضاشاه بر تخت قدرت تکیه زد. وی به اصلاحات اقتصادی، فرهنگی و نظایر آن دست زد. شاه جدید به تأکید تاریخ‌دوستانی چون آندره‌گدار، محمدعلی فروغی، هنرفر و امثال آن‌ها، در پی تعمیر ابنیه تاریخی افتاد. سخنرانی فروغی در اردیبهشت



۱۳۰۶، تأثیر بسیاری در توجه وی به ابنیه و کاخ‌های اصفهان داشت. فروغی که به وصف عالی‌قاپو و چهلستون پرداخته، از زباله‌دان شدن آن‌ها در دوران قاجار و نظایر آن خبر داد و به پنهان شدن تصاویر و نقوش این ابنیه در زیر لایه‌ای از گچ، اطلاعاتی را ارائه داد (هنرفر، ۲۵۳۶، ص ۱۷۶). پهلوی اول در سفر اول خود به اصفهان با مشاهده وضع ناگوار ابنیه تاریخی نظیر چهلستون، رئیس ارکان حرب این منطقه را مأمور مرمت این بنا می‌کند (آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). پس از چندی که مرمت و گچ‌زدایی‌ها به انجام رسید تا مدتی اداره ارکان حرب در این عمارت مستقر شد. سرلشگر محمدحسین فیروز که ریاست لشکر اصفهان را بر عهده داشت به احداث نرده باغ چهلستون و نظافت آن فرمان داد (هنرفر، ۱۳۵۰، ص ۸۴۲). با این تعمیرات و توجهات، چهلستون از وضع بدی که در آن قرار گرفته بود تا حدود زیادی خارج شد. در سال ۱۳۰۶ ش.، اداره معارف اصفهان برای به‌دست آوردن این بنا تلاش کرد. در پی این خواسته، نامه‌ای به مشارالدوله حکمران اصفهان فرستاد و حفظ کاخ چهلستون و اشیاء آن را خواستار شد (ساکما، ۵۹۷۲). پس از چندی با ارسال نامه‌ای از سوی وزارت معارف و اوقاف که طی آن از اداره محاسبات کل درخواست کمک برای ساختن صندوقی در چهلستون برای حفظ اشیاء آن خواسته شده بود، ارایه شد (ساکما، ۱۶). وزارت اوقاف در پی‌گیری‌های خود خواستار پرداخت پول به اداره معارف و اوقاف شد (ساکما، ۹۸۹۵). در این پیگیری‌ها وزارت داخله از وزارت معارف و اوقاف درخواست کرد ۱۵ هزار تومان دیگر برای ساخت این صندوق به اداره معارف واگذار کند (ساکما، ۴۶۵۱). به‌دنبال آن چهلستون از سوی اداره معارف برای تبدیل شدن به مکان نگه‌داری اشیاء ارزشمند در نظر گرفته شد و از سوی دیگر اداره‌های ارکان حرب، بلدیه و نظایر آن، در پی تملک این بنا بودند. بلدیه در سال ۱۳۱۰ ش. خواستار واگذاری چهلستون به این اداره برای حفظ بیشتر آن شد (ساکما، ۱۱۷۴۶).

عمارت تیموری برای اداره قشونی در نظر گرفته شد و چهلستون به بلدیه واگذار شد. تعمیر چهلستون و حفاظت از آن، دلیلی بر این خواسته بود (ساکما، ۱۲۸۱۵). هم‌زمان با بلدیه اداره معارف نیز خواستار واگذاری چهلستون شد (ساکما، ۱۰۶۳۳). اداره معارف در پی این خواسته از اداره مالیه و بلدیه، حفاظت از چهلستون را متذکر شد (ساکما، ۳۳۰۱) در این کشاکش‌ها چهلستون گاهی به بلدیه و گاهی در رونوشت‌ها به اداره معارف واگذار شد (ساکما، ۱۵۹۸۷). تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۱۰ ش.، به‌صورت مستقیم این کاخ به بلدیه واگذار و ثبت ملی شد (ساکما، ۲۳۹۹۹). با موفقیت بلدیه برای تصاحب عمارت چهلستون در سال ۱۳۱۱ شمسی، دومین دوره رأی‌گیری انجمن بلدیه در این عمارت برپا شد (اخگر، ۱۳۱۱، ص ۷۷۹). اداره معارف نیز که به خواسته خود نرسیده بود علاوه بر چهلستون خواستار عالی‌قاپو شد (ساکما، ۸۰۲۶/۴۹۱) و بعد از ناکامی در به‌دست آوردن چهلستون، عمارت عالی‌قاپو و انبارهای آن را از شهرداری



درخواست کرد (ساکما، ۲۳۶۵+۲۹۱۰).

در پی توجه به ابنیه تاریخی، فرمانداری اصفهان پیگیر تهیه فرش‌هایی برای کاخ‌ها و ابنیه تاریخی اصفهان شد (ساکما، ۲۳۶۱). در پی این درخواست اداره حسابداری دربار شاهنشاهی به دادن فرش‌های تهران برای کاخ‌های مورد بحث فرمان داد (ساکما، ۱۰۸۹۸). مشاهده می‌شود که سخنرانی‌های مورخان و توجه دربار، بی‌تأثیر در توجه اداره‌ها و مردم نسبت به ابنیه تاریخی نبوده است. هم‌زمان با بالا رفتن آگاهی‌های نسبی به آثار تاریخی، روزنامه آنگر در شماره ۷۲۴ نوشت «چندی قبل از طرف حکمران محترم، به وزارت داخله پیشنهاد می‌شود که عمارت چهلستون، که نگه‌داریش به اداره بلدیه واگذار شده است، جهت موزه بلدی تخصیص داده شود و اشیای عتیقه از قبیل کاشی و غیره که در مساجد و مدارس و ابنیه تاریخی موجود است، برای آن که از دستبرد محفوظ بماند در عمارت چهلستون جمع‌آوری نموده و یک موزه بلدی تشکیل دهند. اخیراً پیشنهاد فوق از طرف وزارت داخله به تصویب رسیده و دستور اجرای آن داده شده است و حکومت جلیله هم بعد از آمدن مسیوگدار به اصفهان، اقدام به تشکیل موزه اصفهان کرده است».

در زمان پادشاهی محمدرضا پهلوی بیش از پیش به ابنیه تاریخی اصفهان توجه شد. برای اثبات این گفته به صفحه ۷۴ کتاب لطف‌الله هنرفر مراجعه شود؛ وی در این زمینه بیان می‌کند «جهت مزید اطلاع مشاهده‌کنندگان عمارت چهلستون و خوانندگان این راهنما توضیح داده می‌شود که تعمیرات ابنیه تاریخی اصفهان از سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵-۱۹۵۶ م.) بیش از پیش مورد توجه دولت قرار گرفت- در چهلستون هم پشت بام‌های عمارت، به وجه شایسته تعمیر شد و طره‌های پوشیده اطراف کاخ تعویض گردید-تعمیر نقاشی‌های طاق‌های سالن موزه به‌سبب اصلی صفوی آن شروع گردید؛ و سه اطاق نقاشی از زیر گچ خارج شد که در یکی از آن‌ها یک مجلس بزرگ شاهانه با ۱۲ تصویر و مینیاتور شاه‌عباس کبیر با تاج مخصوص و تصاویر و مینیاتورها و نقاشی‌های گل و بوته طالبی دیگری ظاهر گردید» (هنرفر، ۱۳۳۵، ص ۵۶۲). کاخ چهلستون در دوره حاضر، مورد مرمت تیم باستان‌شناسی مهندس روایند قرار گرفت و تمام نقاشی‌ها از زیر گچ بیرون کشیده شد (همای، ۱۳۸۴، ص ۴۵۶). سرانجام این کاخ به نام موزه سپاهان به مردم معرفی شد و تا به امروز نیز این کارایی را ادامه داده است (زاهد، ۱۳۴۸، ص ۵۴۲).

نتیجه‌گیری

با انتقال پایتخت در سال ۱۰۰۰ ق. / ۱۵۹۱ م، توسط شاه‌عباس اول به اصفهان زمینه‌های رشد این شهر و همچنین سبب اصلی ساخت‌وسازهای کلان و دولتی در اصفهان فراهم شد.



وی به دنبال با شکوه کردن پایتخت خود شروع به ساختن پل‌ها، مساجد، کاخ‌ها و نظایر آن در اصفهان کرد. این امر در زمان جانشینان وی به خصوص شاه‌عباس دوم نیز دنبال شد. شاه‌عباس دوم علاوه بر استفاده از عالی‌قاپو کاخ چهلستون را به‌عنوان دولتخانه خود برگزید. چهلستون به‌دلیل حفظ باغ و عمارت در یک مجموعه به‌عنوان زیباترین کاخ در دوران اواخر صفویه به‌شمار می‌رفت. در تاریخ ساخت این کاخ ابهام وجود دارد؛ ولی با نوشته‌ای که در تزیینات عمارت پیدا شد، تاریخ ساخت آن را به سال ۱۰۵۷ ق. مصادف با پادشاهی شاه‌عباس دوم نسبت داده‌اند.

کاخ چهلستون متشکل از اتاق‌های متعدد و تالار باشکوهی است که در روبه‌روی آن حوض بزرگی قرار دارد. این کاخ با آینه‌کاری‌ها، گچ‌بری‌ها و مقرنس‌کاری و تصاویر شاهان صفوی مانند شاه‌اسمعیل و جنگ چالدران و نظایر آن تزیین شده است. اهمیت این کاخ از دوره صفوی تا اواخر دوره قاجار به حدی بود که برخی از شاهان و امرا در آن، مراسم مهم خود را برگزار می‌کرده‌اند. این کاخ در سلطنت شاه‌سلطان حسین و مصادف با تاریخ ۱۱۱۸ ق. م چهلستون به‌دلیل آتشی که در آن افتاد، تخریب شد.

بنابه روایتی شاه‌سلطان حسین به‌دلیل روحیه جبری مانع از خاموشی آتش شد و بعد از این واقعه که آن را تقدیر و حکمت الهی می‌دانست، مجدداً فرمان به تعمیر این بنا داد. چهلستون در عصر افغانان نیز مورد توجه قرار گرفت. محمود افغان در این کاخ بر تخت نشست. محمود دستور داد رقیبات دفتری صفویه را که در چهلستون نگه‌داری می‌شدند را به زاینده رود بیزند. در زمان جانشین وی اشرف افغان نیز چهلستون را خراب کرده و با مصالح آن در کنار پل شهرستان، چهلستون جدیدی برای وی بنا کردند. شکست افغانان در ۲۰ ربیع‌الثانی (۱۲ نوامبر ۱۷۲۹ م) باعث بر تخت نشستن شاه‌طهماسب دوم در اصفهان گردید. شاه‌طهماسب دوم به ساخت و ساز پرداخته و بنای چهلستون را در محل قبلی احداث کرد. در دوران فترت‌گاه چهلستون تخت‌گاه آزادخان افغان می‌شد و گاه محمدحسن‌خان قاجار بر مسند آن تکیه می‌زد. در عصر آقامحمدخان قاجار این بنا چندان مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه در عصر فتح‌علی‌شاه با فرستادن حاج محمدحسین‌خان صدر اصفهانی به حکومت اصفهان این بنا مورد توجه و رسیدگی قرار گرفت. علاوه بر ساختمان‌های قدیم، عمارت‌هایی مانند عمارت سرپوشیده در این باغ احداث شدند. در زمان حاکمیت معتمدالدوله منوچهرخان گرجی، سید علی محمد باب در این عمارت پنهان شد و در زمان آشوب‌ها و درگیری‌های بین میرزا عبدالحسین سپهدار و میرزا عبدالوهاب گلستانه، مردم در آن تجمع می‌کردند.

کاخ چهلستون در عصر ظل‌السلطان مورد مرمت قرار گرفته و به‌عنوان دیوانخانه و محل استقرار مسعود میرزا مورد استفاده قرار گرفت. به گفته وی خبر مرگ ناصرالدین‌شاه زمانی

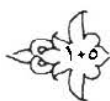


به وی رسید که او در چهلستون با خانواده‌اش مشغول خوش‌گذرانی بود. در اواخر حکومت ظل‌السلطان بنابه‌دلالی که از جمله مهم‌ترین آنان رسیدن وی به پادشاهی بود؛ این کاخ مورد بی‌توجهی قرار گرفت تا حدی که عده‌ای کارگر در آن مشغول دوختن چادر برای مسعود میرزا بودند. کاخ چهلستون در مشروطیت نیز به‌عنوان مکان تجمع مردم مورد استفاده بود. پس از مشروطه نیز انجمن بلدیة در آن شکل گرفت. در وقایعی چون جشن تاج‌گذاری احمدشاه نیز این کاخ به‌عنوان محلی برای برپایی این جشن در اصفهان به حساب می‌آمد.

تا اینکه در دوران پهلوی اول پس از مرمت این کاخ توسط ارکان حرب مدتی محل قشون بود تا سرانجام به بلدیة سپرده شد. سرانجام نیز در عصر پهلوی دوم این بنا برای حفظ و نگهداری بیشتر برای موزه‌شدن آماده شد و به‌این‌ترتیب موزه سپاهان در آن شکل گرفت. سیر تاریخی که عمارت چهلستون در آن قرار گرفت، گاه به این بنا منزلتی به‌عنوان دولتخانه داد و گاهی نیز کارگرانی ساده در آن مشغول به کار بودند. بنایی که در زمان شاه‌عباس احداث شده بود در بطن تاریخ تغییر و تحولات زیادی به خود دید.

منابع و مأخذ

۱. استرآبادی، میرزا مهدیخان. (۱۳۸۴). درة نادره. (کوششگر سید جعفر شهیدی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. اسمیت، آنتونی. (۱۳۶۹). ماهی سفید کور در ایران. (کوششگر محمود نبی‌زاده). تهران: گستره.
۳. الاصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا. (۱۳۶۸). نصف جهان فی التعمیر اصفهان. (کوششگر منوچهر ستوده) تهران: امیرکبیر.
۴. اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا. (۱۳۷۰). اکسیر التواریخ. (کوششگر جمشیدکیان‌فر). تهران: ویسمن.
۵. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۴). مرآت البلدان. (کوششگران پرتو نوری عله، محمدعلی سپانلو). تهران: اسفار.
۶. افضل‌الملک، میرزا غلامحسین. (۱۳۸۰). سفرنامه اصفهان. (کوششگر ناصر افشارفر). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. امینی، علیرضا؛ شیرزای، حبیب‌الله ابوالحسن. (۱۳۸۸). تحولات سیاسی-اجتماعی ایران. تهران: قومس.
۸. جابری انصاری، میرزا حسن. (۱۳۲۱). تاریخ اصفهان، ری و همه جهان. کتابخانه دانشگاه اصفهان.
۹. جابری انصاری، میرزا حسن. (۱۳۷۸). تاریخ اصفهان. جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل.
۱۰. اولیویه، سفرنامه اولیویه. (۱۳۷۱). (مترجم محمد طاهر مظاهر). تهران: اطلاعات.
۱۱. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. (مترجم احمد گل‌محمدی). تهران: نی.
۱۲. آژند، یعقوب. (۱۳۸۰). تاریخ ایران. تهران: جامی.



۱۳. اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۷۸). دفتر سوم (سفرنامه رضا شاه). ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
۱۴. آصف، محمدهاشم. (۱۳۵۲). رستم التواریخ. تهران: امیرکبیر.
۱۵. براون، ادوارد. (۱۳۷۱). یکسال در میان ایرانیان. ذبیح‌الله منصوری، تهران: صفار.
۱۶. بروگش، هینریش. (۱۳۶۸). سفری به دربار صاحبقران. (مترجم محمد حسین کرد بچه). تهران: اطلاعات.
۱۷. بشیری، احمد. (۱۳۶۷). کتاب نارنجی. حسین قلعیان، تهران.
۱۸. بیات، عزیزالله. (۱۳۸۳). کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران. تهران: امیرکبیر.
۱۹. آپم پوپ، آرتور. (۱۳۷۳). معماری ایران. (مترجم غلامحسین صدری افشار). تهران: فرهنگیان.
۲۰. پولاکه ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک. (مترجم کیکاووس جهانداری). تهران: خوارزمی.
۲۱. پهلوی، رضاشاه. (۲۴۳۸). سفرنامه خوزستان. تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.
۲۲. تحویلدار، حسین بن محمد ابراهیم. (۱۳۸۸). جغرافیای اصفهان. (کوششگر الهه تیرا). تهران: اختران.
۲۳. جعفریان، رسول. (۱۳۷۸). مجموعه مقالات تاریخی. تهران: نشر الهادی.
۲۴. جمال زاده، محمدعلی. (۱۳۵۲). گفتگوی خانوادگی درباره اصفهان. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. جناب میر سید علی. (۱۳۷۱). الاصفهان. (کوششگر عباس نصر). اصفهان: نشر امور فرهنگی شهرداری اصفهان.
۲۶. جناب میر سیدعلی. (۱۳۸۲). آثار و ابنیه اصفهان. (مصحح رضوان پور عصار). اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
۲۷. شاردن؛ ژان. (۱۳۶۷). اصفهان. (مترجم محمدرضا ریاحی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۸. جوادی، آسیه. (۱۳۶۳). معماری ایران. تهران: چاپ انوشه.
۲۹. دالمانی، هانری رنه. (۱۳۷۸). از خراسان تا بختیاری. (مترجم غلامرضا سمیعی). تهران: طاووس.
۳۰. دیولافوا، مادام. (۱۳۷۸). سفرنامه مادام دیولافوا «ایران و کلد». (مترجم همایون فره‌وشی). تهران: قصه پرداز.
۳۱. رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۶). اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ اول جهانی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۳۲. رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۵). تاریخ مشروطیت اصفهان. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۳۳. رفیعی‌مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۴. رویمر، هانس روبرت. (۱۳۸۰). ایران در راه عصر جدید. (مترجم آذراهنچی). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.



۳۵. ریاضی هروی، محمد یوسف. (۱۳۷۲). عین الوقایع. (مترجم محمد آصف فکرت). تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۶. زاهد، زهتابی؛ جلیل، محمدرضا. (۱۳۴۸). ایران زمین. شاه‌آباد: انتشارات پدیده.
۳۷. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). روزگاران. تهران: سخن.
۳۸. زنده‌دل، حسن. (۱۳۳۱). راهنمای ایران گردان. تهران: نشر ایران گردان.
۳۹. سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۶). تاریخ ایران. (مترجم سید محمد تقی فخر گیلانی). تهران: دنیای کتاب.
۴۰. سپهر، لسان‌الملک. (۱۳۷۷). ناسخ التواریخ. (کوششگر جمشید کیانفر). تهران: اساطیر.
۴۱. سیف‌الدوله، سلطان محمد. (۱۳۶۴). سفرنامه مکه. علی اکبر خداپرست، تهران: نی.
۴۲. سیوری، راجر. (۱۳۷۴). ایران در عصر صفوی. (مترجم کامبیز عزیزی). تهران: نشر مرکز.
۴۳. شیرازی، میرزا صالح. (۱۳۶۴). مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، (مترجم میرزا غلامحسین شیرازی). تهران: نشر تاریخ ایران.
۴۴. فلور، ویلم. (۱۳۷۱). اشرف افغان در تختگاه اصفهان. (مترجم ابوالقاسم سری). مشهد: طوس.
۴۵. کاساکوفسکی، ولادیمیر آندری یوویچ. (۱۳۵۵). خاطرات کاساکوفسکی. (مترجم عباسقلی جلی). تهران: سیمرغ.
۴۶. کرزن، جرج. ن. (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران. (مترجم غلامعلی وحید مازندرانی). تهران: علمی و فرهنگی.
۴۷. کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۷۶). تاریخ بیداری ایرانیان. (مترجم علی اکبر سیرجانی). تهران: پیکان.
۴۸. کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر به ایران. (مترجم کیکاووس جهانداری). تهران: خوارزمی.
۴۹. کنبی، شیلا. (۱۳۸۶). عصر طلایی هنر ایران. (مترجم حسن افشار). تهران: نشر مرکز.
۵۰. لاکهارت، لارنس. (۱۳۸۰). انقراض سلسله صفویه. (مترجم اسماعیل دولتشاهی). تهران: علمی و فرهنگی.
۵۱. مستوفی، محمد محسن. (۱۳۷۵). زبده‌التواریخ. (کوششگر بهروز گودرزی). تهران: انتشارات ادبی و تاریخی.
۵۲. ظل‌السلطان، مسعود میرزابن ناصر. (۱۳۶۲). تاریخ مسعودی، تهران: یساولی.
۵۳. موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق. (۱۳۸۴). دره نادره. (کوششگر سید جعفر شهیدی). تهران: علمی فرهنگی.
۵۴. مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۱۳). تاریخچه نادر شاه. (مترجم رشید یاسمی). تهران: سیمرغ.
۵۵. نیکزاد، حسینی؛ کریم، امیر. (۱۳۳۳). تاریخچه آئینه تاریخی اصفهان. اصفهان: چاپخانه داد.
۵۶. هدایت، رضا قلی‌خان. (۱۳۸۰). تاریخ روضه الصفای ناصری. (کوششگر جمشید کیانفر). تهران: اساطیر.
۵۷. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۴). تاریخ اصفهان. کوششگر ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.



۵۸. هنرفر، لطف‌الله. (۲۵۳۶). اصفهان: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۵۹. راهنمای اینیه تاریخی اصفهان (۱۳۳۵). اصفهان: چاپخانه امامی.
۶۰. «گنجینه آثار تاریخی اصفهان»، تهران: چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰.
۶۱. هنوی، جونس. (۱۳۶۷). هجوم افغانان و زوال دولت صفوی. (مترجم اسماعیل دولت‌شاهی). تهران: یزدان.

روزنامه‌ها:

۱. اخگر، فتح‌الله وزیرزاده، اصفهان.
۲. فرهنگ تقی‌خان حکیم‌باشی، اصفهان.

نسخه خطی:

۱. وقایع اصفهان و دو سفرنامه هرات، آرشیو کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

اسناد:

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)
۲. سند شماره ۵۹۷۲، مورخ ۱۳۰۵/۹/۱۵
۳. سند شماره ۱۶، مورخ ۱۳۰۶/۹/۲
۴. سند شماره ۹۸۹۵، مورخ ۱۳۰۶/۷/۱۹
۵. سند شماره ۴۶۵۱، مورخ ۱۳۰۶/۷/۲
۶. سند شماره ۱۱۷۴۶، مورخ ۱۳۱۰/۳/۲۰
۷. سند شماره ۱۲۸۱۵، مورخ ۱۳۱۰/۶/۲۳
۸. سند شماره ۱۰۶۳۳، مورخ ۱۳۱۰/۵/۱۵
۹. سند شماره ۳۳۰۱، مورخ ۱۳۱۰/۵/۲۶
۱۰. سند شماره ۱۵۹۸۷، مورخ ۱۳۱۰/۷/۱۰
۱۱. سند شماره ۲۳۹۹۹، مورخ ۱۳۱۰/۷/۱۰
۱۲. سند شماره ۸۰۲۶/۴۹۱، مورخ ۱۳۱۵/۵/۲۵
۱۳. سند شماره ۲۹۱۰۰۲۳۶۵، مورخ ۱۳۱۵
۱۴. سند شماره ۲۳۱، مورخ ۱۳۰۹/۹/۱۲
۱۵. سند شماره ۱۰۸۹۸، مورخ ۱۳۱۹/۹/۱۸

